



مطالعه تطبیقی تعدیل و تفسیر قراردادهای خصوصی در بحران اقتصادی ناشی از کرونا

کمال رئوف

دکترای حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

در قراردادهای خصوصی، طرفین ملزم به رعایت قواعد آمره و تعهدات ناشی از آن می‌باشند؛ البته مشروط بر این که مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد و در صورت اختلاف، این آزادی مشروع طرفین در انعقاد و اجرای قرارداد می‌تواند توسط دادگاه محدود و بر اساس اصل قانونی معروف: "هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را باعث تضییع به غیر قرار دهد" به نفع طرف دیگر قرارداد، تعدیل شود. همچنین طبق نظریه عدالت معاوضی، که در قانون تعهدات فرانسه در مواردی از طرف ضعیف قرارداد حمایت لازم را به عمل می‌آورد، می‌توان رد پای آن را در حقوق ایران، به ویژه در قانون تجارت الکترونیک در حمایت از طرف ضعیف قرارداد، در مواجهه با طرف حرفه‌ای قرارداد مشاهده نمود. آنچه الهام‌بخش این تحقیق است اصلاح قانون تعهدات فرانسه، به ویژه در تبیین قواعد تعدیل و تفسیر قراردادهای خصوصی است که به عنوان منبعی برای نحوه تعدیل و تفسیر قراردادهای خصوصی در بحران اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا می‌باشد. با بررسی قوانین موضوعه، به خصوص قانون مدنی ایران، می‌توان به این نکته اشاره کرد که با بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی موجود در آن می‌توان در مواجهه با قراردادهای خصوصی، که در آنها عدالت یا انصاف نسبت به یک طرف قرارداد رعایت نشده، آن را تعدیل یا تفسیر نمود. گاهی اوقات نیز قرارداد خصوصی، که با مشکل یا سختی در اجرای تعهد مواجه شده، تعدیل قرارداد، سعی در هر چه بهتر اجرا شدن آن با شرایط ایجاد شده را دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۵-۲۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل:

Kamal_Raouf@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۴/۱

واژگان کلیدی:

بحران کرونا، تعدیل قرارداد خصوصی، تفسیر قرارداد خصوصی، عدالت قراردادی، عدالت معاوضی.

openaccess



مقدمه

اراده تخلف نمی‌کند. (دژپسند، ۱۳۹۵: ۴۳) لذا باید با تکیه بر تفسیر و کاربرد به روز قواعد فقهی و حقوقی، راه را برای مؤثرتر کردن اجرای قراردادهای، در مواقع بحرانی باز و از سوءاستفاده از حق در قراردادهای خصوصی جلوگیری نمود.

۱- مبانی نظری

قبل از بیان قواعد مربوط به تفسیر و تعدیل قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و فرانسه، لازم است مبانی نظری موضوع، مطابق با هدف مورد نظر در این پژوهش بیان شود.

۱-۱- تعدیل قرارداد

۱-۱-۱- تعریف

تعدیل قرارداد در معنی لغوی، به معنای عادلانه نمودن قرارداد و به عدالت نزدیک کردن است. (حیدری‌فرد، ۱۳۹۶: ۳۷) البته با این قید که طرفین نسبت به آن دچار اختلاف شده باشند. این کار می‌تواند به صورت توافقی توسط طرفین قرارداد صورت پذیرد و با تراضی یک‌دیگر آن را تعدیل نمایند و در نهایت، به قرارداد الحاقی یا تکمیلی منجر شود. از سوی دیگر، کسی که از قرارداد زیان دیده یا انجام تعهدات آن برای وی غیرممکن یا سخت شده، ممکن است از دادگاه تقاضای تعدیل آن را بکند، که در این صورت، قاضی باید به منظور حمایت از طرف ضعیف‌تر یا کارایی بهتر قرارداد، با ابزارهای قانونی و بر اساس عدل و انصاف به تعدیل قرارداد بپردازد.

۱-۱-۲- لزوم

زمانی که حوادث غیرقابل پیش‌بینی نظیر افزایش ناگهانی نرخ دلار، اجرای عقد را با دشواری مواجه می‌کند نظریه تعدیل قرارداد" به برقراری عدالت معاوضی در قرارداد کمک می‌نماید. (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۴۲/۲) زیرا اعمال مضیق قاعده در موارد فوق به بی‌عدالتی آشکار می‌انجامد.

این است که قاضی باید آن جهات را به نحو مستدل و ظریف در رأی خویش ملحوظ دارد و راهی منطبق بر عدالت را بجوید. با تکیه بر مفهوم عدالت معاوضی باید دخالت قانون‌گذار در قراردادهای منعقدشده بین افراد را هرگاه که به نفع طرف

قواعد تعدیل و تفسیر قراردادهای خصوصی و نحوه دخالت دادگاه در اراده و تعهدات طرفین در اصلاح قانون تعهدات فرانسه به صورت منظم و سیستماتیک تدوین شده است، اما در حقوق ایران، این ابزارهای قانونی به صورت منظم در یک مجموعه قانونی جمع‌آوری و ساماندهی نشده‌اند. اصلاح قانون تعهدات فرانسه، به صورت صریح و منظم این قدرت را به قضات داده است تا برای تعدیل (شرایط غیرمنصفانه) در قرارداد یا تغییر آن در شرایط (غیرقابل پیش‌بینی) وارد عمل شوند. اگر در گذشته، قضات از اصول حقوقی از جمله (سوءاستفاده از حق) در این زمینه یاری می‌جستند و گاه با مخالفت‌های نظری از سوی محاکم هم‌عرض یا محاکم عالی مواجه می‌شدند. از این پس، اصلاحات این تشتت آراء را از بین برده و راهی روشن را پیش روی دادگاهها قرار داده است؛ البته عده‌ای معتقدند که این قدرت می‌تواند آزادی قراردادهای خصوصی را محدود کند، اما به نظر می‌رسد قانون‌گذار فرانسوی، حدود و ثغور این دخالت را (تا حدی) مشخص نموده است، لکن آنچه باید در نظر داشت این است که با پیچیده‌تر شدن جامعه و آگاهی افراد حرفه‌ای در تنظیم قراردادهای و تحت فشار قرار گرفتن اشخاص ضعیف یا در مقام ضعف، قانون‌گذار باید به سمتی برود که از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن حق و قانون توسط اشخاص، به نحو شایسته‌ای جلوگیری و اجرای عدالت در قراردادها (تعدیل قضایی) را ساماندهی نماید. همچنین تبیین قواعدی به مانند "تفسیر قرارداد به نفع طرف ضعیف‌تر قرارداد" یا "تفسیر بر علیه طرف تنظیم‌کننده قرارداد" از مواردی است که در حقوق فرانسه جایگاهی خاصی پیدا نموده است. تعدیل قضایی، که در آن امکان تردید و گفتگو فراوان است، به موردی گفته می‌شود که دادرسی با استناد به شرط ضمنی عقد یا جلوگیری از بی‌عدالتی و ضرر یکی از دو طرف، مفاد قرارداد را تعدیل و متناسب با شرایط می‌سازد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۷۳/۳) قرارداد به عنوان پدیده اجتماعی در کنار سایر پدیده‌های اجتماعی دائرمدار دادرسی قرار می‌گیرد، لکن از نظم خصوص ایجادشده بر مبنای

قوی‌تر باشد، مردود دانست و با ظرافت از کنار چنین قانونی گذر کرد. (صالحی‌راد، ۱۳۸۸: ۱۷۷)

آنچه باید در تعدیل قراردادهای خصوصی مدنظر باشد، این است که این امر روانی و بهتر اجرا شدن قراردادی را موجب شود که با دشواری یا صعوبت در اجرا و نیل به هدف غایی خود روبرو شده است. در نهایت، چنانچه اجرای قرارداد غیرممکن باشد و دیگر به اجرای مفاد آن در شرایط کنونی امیدی نباشد^۱ بتوان آن را فسخ نمود تا طرفین از باتلاق بلاتکلیفی حقوقی رهایی یابند. مصداق عدم انجام قراردادها در محاکم این است که بسیاری از این قراردادها بر اثر گذر زمان غیرقابل انجام می‌شوند و متعهد با خیل عظیم مشکلات و خساراتی هنگفت مواجه می‌شود که فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد و ثمره آن، احکام متعدد محکومیت بر ایفای تعهدات قراردادی است که حتی مطابق با مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی برای متعهدله نیز قابل انجام نخواهد بود یا وضعیت کنونی جامعه جهانی، به ویژه ایران که با شیوع بیماری کرونا^۲ دست به گریبان است. تعطیلی اجباری کارخانه‌ها یا کسب و کارها موجب شده است طرفین قراردادها نتوانند به تعهدات خود عمل نمایند. شاید به زودی یا حداقل پس از گذر از این بحران همه‌گیر، با سیلی عظیم از پرونده‌های قضایی مواجه شویم. لذا ضرورت تعدیل قرارداد برای سهولت در امر اجرای آن یا فسخ قرارداد، در صورت غیرقابل انجام بودن تعهدات بیش از پیش احساس می‌شود. هر دو مورد باید در سایه حکومت اراده طرفین ایجادکننده آن، صورت بگیرد تا دگرگونی قرارداد و دور شدن از هدف آن را موجب نشود.

۱-۱-۳- انواع تعدیل

۱-۱-۳-۱- تعدیل قضایی

تعدیل قضایی به موردی گفته می‌شود که دادرس با استناد به شرط ضمنی عقد یا جلوگیری از بی‌عدالتی ضرر یکی از دو

طرف، مفاد قرارداد را تعدیل و متناسب با شرایط می‌سازد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۷۱/۳) آنچه می‌توان برداشت کرد این است که دادرس در زمان اختلاف طرفین قرارداد در شرایط سختی یا عدم امکان اجرای تعهد، با در نظر گرفتن کلیت قرارداد و آنچه که منظور نظر طرفین بر ایجاد آن بوده (قصد مشترک طرفین) طوری رأی بدهد یا فصل خصومت کند که تعهد با توجه به شرایط کنونی اجرا شود نه این که بر اساس نظریه منسوخ کامن‌لای^۳ بر اساس آنچه که قرارداد گفته، اجرا شود. به نظر می‌رسد دادرسانی که صرفاً بر اساس مواد ۲۱۹، ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی متعهد را به اجرای مرّ الزامات قرارداد متنازع‌فیه مثابه قانون محکوم می‌نمایند و چشم خود را بر شرایط ایجاد شدهٔ پس‌اقراردادی می‌بندند پیرو همین نظریه باشند. این رویکرد به اختلاف قراردادی در زمان سخت یا غیرممکن شدن اجرای قرارداد موجب می‌شود که نه متعهد بتواند با شرایط پیش‌آمده به تعهد خود عمل کند و نه متعهدله بتواند مفاد آن را به حکم دادگاه اجرا و سپس هزینه‌ها را از متعهد به انضمام کلیه خسارات دریافت کند. نتیجه این است که اجرای قرارداد برای مدت‌ها یا شاید برای همیشه راکد و بیهوده باقی بماند.

۱-۱-۳-۲- تعدیل قراردادی

تعدیل قراردادی ناظر به موردی است که طرفین در متن قرارداد پیش‌بینی کنند یا پس از انعقاد آن به تراضی انجام دهند. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۷۱/۳) معمولاً در قراردادهای مالی یا تجاری طرفین برای نوسان قیمت‌ها راهکارهایی را در نظر می‌گیرند یا در خصوص موارد فورس‌ماژور^۴ نظر خود را بیان می‌کنند. در این فرض، شاید حل و فصل اختلاف بر اساس شروط قراردادی یا در مواقعی که طرفین با توافق یکدیگر و بر اساس شرایط ایجادشده تعهدات را تعدیل نمایند، دادرس را به چالش نکشد، اما آنچه مورد اختلاف قرار خواهد گرفت در مواردی است که طرفین در خلال عقد توافقی نداشته باشند یا شرایط پیش‌بینی‌شده توسط طرفین با

۱. در این صورت، قرارداد عقیم خواهد بود، که در کامن‌لا به آن frustration می‌گویند و تحت قواعد مربوط به آن به دعوی فسخ قرارداد توسط دادگاه رسیدگی می‌شود.

2. Coronavirus or Covid19

3. Contract is contract

4. Force Majeure

قانون گذار این شیوه تعدیل را به طور منظم و تدوین شده در قانون تعهدات فرانسه تدوین کرده است، که به طور مفصل به آن می‌پردازد.

۱-۲- تفسیر قرارداد

۱-۲-۱- تعریف

تفسیر قرارداد به معنای تشخیص مفهوم مقررات آن (قرارداد) است و هدف این است که مضمون و مفاد عقد به درستی روشن شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۴/۳) به بیان دیگر، تفسیر قرارداد آنچه دو طرف خواسته‌اند و درباره آن تراضی کرده‌اند تعیین می‌شود. در تفسیر قرارداد، هدف اجرای قصد مشترک طرفین است. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۵/۳) اما آنچه از تفسیر قرارداد مد نظر است همان است که رویه قضایی نیز در گستره مفاد عقد اثر می‌گذارد و امری را که مصلحت اجتماعی یا عدالت اقتضا دارد به توافق ضمنی منسوب می‌کند تا در زمره تعهدهای قراردادی درآید. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۵/۳) بنابراین، تلاش می‌شود تا مفاد قرارداد موافق با نظم عمومی، اخلاق حسنه و عدالت اجرا شود. طبیعی است طرفین پرونده همواره همه عناصر و ارکان لازم برای تصمیم‌گیری را بیان نمی‌کنند و گاه نیز حتی به نحو دقیق، منظور از سؤال قاضی را در نمی‌یابند. (صالحی‌راد، ۱۳۸۸: ۱۷۶) بر قاضی است که با صبر و تحمل به او گوش دارد و منظور خود را با عبارات روشن و عامه‌فهم بیان کند و ملول و خسته نشود. قاضی باید به انگیزه، حوادث غیرمترقب، اضطرار و مانند آنها نیز توجه کند. (صالحی‌راد، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

۱-۲-۲- لزوم

آن گاه که پای نزاع و اختلاف در میان باشد، دقیق‌ترین قراردادهای نیز به تفسیر نیاز پیدا می‌کنند؛ با این که قراردادهای رسمی توسط سردفتر تنظیم می‌شوند از این قاعده مستثنی نیستند. وضع اسناد عادی نیز به مراتب مبهم‌تر و اجرای آن دشوارتر است. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۶/۳) ضرورت تفسیر قرارداد همانند قانون است و گریزی از آن نیست و باید در این راه روشی را برگزید که تعادل اقتصادی قرارداد را بر هم نزند و

شرایطی که پیش آمده است، مطابقت ندارد. در حقیقت، هیچ گاه تصور نمی‌کردند بحرانی به مانند شیوع بیماری کرونا و نوسان بی‌سابقه قیمت (مثال امروز سقوط شدید قیمت نفت به کمتر از هر بشکه ۲۰ دلار) و تعطیلی اجباری و بلندمدت کسب و کار بتواند تا این حد اجرای تعهدات قراردادی را سخت و دشوار یا غیرقابل اجرا نماید.

۱-۳-۱- تعدیل قانونی

تعدیل قانونی آن جا است که به موجب قانون به طور مستقیم انجام پذیرد یا در قانون به یکی از دو طرف حق درخواست آن را بدهد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۷۱/۳) در حقیقت، در قانون مواردی مقرر شده است که در صورت اختلاف یا سوءاستفاده یک طرف قرارداد، طرفین یا دادرس چگونه مسأله را حل و فصل نماید. برای مثال، قانون گذار در ماده ۴ قانون موجر و مستأجر در خصوص تعدیل اجاره‌بها با توجه به ترقی یا تنزل هزینه زندگی پیش‌بینی کرده است که طرفین (موجر یا مستأجر) می‌توانند درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره‌بها را بنمایند یا در ماده ۳۸۰ قانون مدنی، در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او باشد، بایع حق استرداد آن را دارد و اگر هنوز مبیع تسلیم نشده باشد، می‌تواند از تسلیم آن خودداری نماید. مشابه این حکم در ماده ۵۳۳ قانون تجارت، در جایی که بایع قبل از تسلیم مال التجاره به تاجر ورشکسته، می‌تواند از تسلیم آن خودداری نماید. عبارت "می‌تواند از تسلیم آن امتناع کند" در ماده ۳۸۰ قانون مدنی و در ماده ۵۳۳ قانون تجارت درصدد ایجاد حق حبس برای فروشنده نیست، زیرا مشتری در وضعیتی قرار ندارد که بتواند تعهدات خود را انجام دهد، بلکه عبارات مزبور، درصدد بیان نتیجه فسخ است که به فروشنده حق می‌دهد معامله را فسخ و از تسلیم امتناع کند. (شیروی، ۱۳۹۶: ۲۴۳) در اینجا می‌توان گفت که ورشکستگی تاجر یا مفلس شدن مشتری به نوعی انجام تعهد را برای ایشان غیرممکن نموده است و فروشنده حق دارد به استناد همین موضوع، قرارداد را فسخ کند. این موارد، نمونه‌ای از تعدیل قانونی نسبت به قراردادهای خصوصی در حقوق ایران است، اما

فرانسه را باید در شمار این گروه آورد. ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی (قبل از اصلاحات) این کشور به صراحت دستور می‌دهد که در قراردادهای باید در پی قصد مشترک دو طرف بود و به معنای ادبی عبارت شرایط قناعت نکرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۸/۳)

این ماده در قانون اصلاحات قانون تعهدات فرانسه به ماده ۱۱۸۸ تغییر یافته است، لکن قانون‌گذار فرانسوی همچنان بر کشف قصد مشترک طرفین از داخل الفاظ قرارداد و عدم توجه به معنای ادبی الفاظ تأکید دارد.

اما مراد از تحلیل محتوی^۲ بازی با کلمات نیست، بلکه شیوه تحقیقی است که روش مطالعه و بررسی همه جوانب و ارتباطات، به شیوه نظام‌مند داده‌های متغیر معطوف متن قرارداد با انطباق متن قانون است. (دژپسند ۱۳۹۵: ۲۷)

۲- تعدیل قراردادهای خصوصی

قانون‌گذار فرانسوی با محترم دانستن آزادی قراردادهای، مشروط به رعایت نظم عمومی در ماده ۱۱۰۲ قانون تعهدات و همچنین مطابق با ماده ۱۱۰۳ آن، کلیه تعهداتی که مطابق قانون ایجاد شده را برای کسانی که آنها را منعقد نموده‌اند را در حکم قانون دانسته^۳ و ضمن تأکید بر لزوم قراردادهای خصوصی و استناد آنها در محاکم، به قاضی این اختیار را داده است تا در چارچوبی که در همین قانون مشخص و تبیین شده است به نقش‌آفرینی در تعدیل و تفسیر قراردادهای خصوصی بپردازد. تحولاتی که از اوایل قرن نوزدهم بر اثر بروز سوءاستفاده از آزادی معاملات و پیشرفت افکار سوسیالیستی ایجاد شد، این مبانی دست‌خوش تغییر و تزلزل گردید و اصل حاکمیت اراده که پایه تعهدات محسوب می‌شد مورد انتقاد قرار گرفت و دولت‌ها مجبور شدند برای تأمین عدالت و نظم و انضباط در شؤون اقتصادی و اجتماعی دخالت کنند. (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۲۶) به نظر قاضی پازنر، نقش حقوق، تشویق مبتنی بر توازن و تعادل و نیز گردش و چرخش

دو طرف را از آنچه اراده کرده‌اند، دور نسازد و در عین اجرای عدالت، انصاف و احترام به حسن نیت را نیز رعایت کند. دادرسی می‌تواند و باید قرارداد را تفسیر کند، ولی حق ندارد آن را تغییر دهد و به بهانه رعایت انصاف و نظم عمومی از هدف اقتصادی خود منحرف سازد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۸/۳) قاضی باید آگاه باشد که قانون همه چیز را تبیین نمی‌کند و او نیز فرمانبر بی‌اراده قوه مقننه نیست، چه اگر این گونه باشد باید گفت که حقوق صرفاً از قانون ناشی می‌شود؛ در حالی که مسأله جز این است. به همین دلیل، قضات موظف هستند در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نباشد یا متعارض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که با موازین شرعی مغایر نباشد، حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد و الاً مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهد شد. در حقیقت، قاضی به عدالت پای‌بندتر است تا به قانون. قانون وقتی پذیرفتنی است که عادلانه باشد و اگر عادلانه نباشد قاضی باید با استدلال، طریقی بر قابل اعمال نبودن آن در قضیه بیابد. (صالحی‌راد، ۱۳۸۸: ۱۷۷)

در حقوق فرانسه به وضوح، بخشی از قانون تعهدات، به موضوع تفسیر قرارداد^۱ اختصاص داده شده است، لکن در قانون مدنی ایران، مواد قانونی مشابه در قسمت‌های مختلف قانون پراکنده شده‌اند، که اشاراتی به آنها خواهد شد.

۱- ۲- ۳- شیوه‌های تفسیر

شیوه‌های تفسیر بر دو نوع است: جستجوی قصد مشترک، به عنوان شیوه مرسوم شناخته شده است و دیگری تفسیر نوعی و اجتماعی، که در واقع، اصلاح و تعدیل این نظر می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۸/۳)

تفسیری که هدف آن احراز قصد مشترک طرفین در زمان توافق و حکومت آن بر قرارداد است. نویسندگان قانون مدنی

اجرای معامله، ثمن ممکن است توسط بستانکار تعیین شود مشروط بر این که وی مسؤول توجیه تعیین قیمت مورد اختلاف باشد. در صورت سوءاستفاده در قیمت‌گذاری توسط یک طرف، قاضی می‌تواند درخواست مطالبه سود و زیان را استماع کند. ظاهراً در حقوق ایران تعیین ثمن در صلاحیت انحصاری اراده طرفین است و قابل تفویض به قاضی نمی‌باشد. (بزرگمهر و مهران، ۱۳۹۵: ۴۳) اما آنچه باید در نظر گرفته شود سوءاستفاده در تعیین قیمت است. شاید بتوان بر اساس قاعده منع سوءاستفاده از حق، که در اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی، مبنی بر: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را موجب ضرر به غیر قرار دهد» متبلور شده، و نیز بر اساس قاعده «لاضرر و لااضرار» و قاعده «منع تکلیف مالایطاق»، تعدیل قیمت در قراردادها را به کار بست. قانون‌گذار فرانسوی، نحوه تعدیل قیمت را توسط قاضی در ماده ۱۱۶۷ مشخص نموده و آن را: «مرجع شاخص دیگری که نزدیک به آن [قیمت] قبلی است»، معرفی می‌نماید. در دیوان نقض فرانسه صرف اشتباهات در مورد قیمت اموال خریداری‌شده را صریحاً به عنوان مبنای بطلان نمی‌پذیرد، اما به دادگاه پایین‌تر اجازه داده است تا درباره برخی از اوصاف آن، که اراده خریدار را متعین می‌سازد جستجو کند؛ البته ممکن است این وصف در اختلاف اساسی قیمت منعکس شده باشد. (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۵۴)

موازنه یا معادله مالی پیمان، همان رابطه‌ای است که بین مجموع حقوق و اختیارات هر یک از متعاملین و تکالیف و تعهدات آنها، که به نظرشان کاملاً متعادل و برابر است برقرار می‌گردد. از این جهت، این موازنه از لحاظ منطقی و حقوقی به وسیله یکی از طرفین بدون رضایت طرف دیگر قابل تغییر و تبدیل نیست. (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۲۶) در ماده ۴۱۶ قانون مدنی ایران، هر یک از متعاملین که در معامله، غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن، می‌تواند معامله را فسخ کند؛ البته زمان ارزیابی دو عوض و مقایسه آن دو و تمیز غبن فاحش تاریخ قرارداد است. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۲۶) در تعریف

ثروت برای سودآوری است. (دژپسند، ۱۳۹۵: ۴۸) در حقوق ایران نیز برای نمونه، در ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر، مصوب ۱۳۵۶، ماده ۹ قانون روابط موجر و مستأجر، مصوب ۱۳۶۲ و همچنین مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی، دادن مهلت به مستأجر یا امکان به تأخیرانداختن مهلت انجام تعهد از سوی متعهد یا برقراری اقساط به سود به او تعدیلی است که به منظور رعایت انصاف از سوی قانون‌گذار مقرر شده است. (رفیعی، ۱۳۹۲: ش ۱۱۶/۶)

به این ترتیب، نقش قاضی در تعدیل تعهدات قراردادی از دو منظر تعهدات دینی و تعهدات عینی بررسی می‌شود.

۲-۱- تعهدات دینی

یکی از اصول مورد اشاره در اصلاحات جدید^۱ «شروط ناعادلانه قرارداد» است. همچنین اصلی دیگر، به عنوان «عدم تعادل فاحش در قرارداد» را فراهم کرده، که چنانچه حقوق و تعهدات طرفین معامله به طور فاحش با یکدیگر در موازنه نباشد، دادگاه می‌تواند قرارداد را باطل اعلام کند؛ البته کاربرد این اصل در تمامی قراردادها و در هر موضوعی صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال، عدم کفایت قیمت موجب اعمال این اصل نیست. لذا قراردادهای الحاقی که شروط آنها ثابت و غیرقابل مذاکره است از مواردی است که این اصل در آن اجرا می‌شود. (بزرگمهر و مهران، ۱۳۹۵: ۱۸) در فقه و حقوق ایران نیز اصولی به مانند منع سوءاستفاده از حق، خیار غبن فاحش و نیز قاعده عسر و حرج در تعدیل قراردادهای خصوصی قابل استناد هستند. در اینجا دو قسم از تعدیل تعهدات دینی بررسی می‌شود.

۲-۱-۱- تعدیل قیمت قرارداد

ماده ۱۱۶۴ قانون جدید تعهدات فرانسه تصریح دارد چنانچه طرف معامله در تعیین قیمت سوءاستفاده کند، قاضی می‌تواند درخواست خسارت وارده به طرف دیگر را بررسی نماید یا در صورت مقتضی قرارداد را فسخ کند.

از طرفی، در ماده ۱۱۶۵ قانون مزبور در قراردادهایی که موضوع آنها ارائه خدمات می‌باشد، در صورت عدم توافق طرفین قبل از

۱. ماده ۱۱۷۱ قانون تعهدات فرانسه

غبین باید گفت که جوهر غبن در عدم تعادل بین دو عوض در زمان معامله است؛ به این شرح که:

- غبن تنها در عقد معوض، که دو ارزش متقابل با هم مبادله می‌شود راه می‌یابد؛

- لزوم نابرابری فاحش بین دو عوض مبادله‌شده، چندان که تعادل اقتصادی قرارداد بر هم بخورد؛

- وجود عدم تعادل به هنگام داد و ستد؛

- آگاه نبودن طرف زیان‌دیده از میزان ارزش‌های واقعی.

(کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۷۹/۵)

موازنه مالی قرارداد ممکن است به سبب وجود عوامل اقتصادی غیرعادی و غیرقابل پیش‌بینی، که به آنها در اصطلاح "امور غیرقابل پیش‌بینی"^۱ می‌گویند به هم بخورد و در نتیجه، اجرای قرارداد برای پیمانکار دشوار باشد یا گران تمام شود.

تفاوت عمده این مورد با فورس‌ماژور [یا همان قوه قاهره] در آن است که فورس‌ماژور، اجرای قرارداد را مطلقاً غیرممکن می‌سازد؛ در صورتی که امور غیرقابل پیش‌بینی اجرای قرارداد را غیرممکن نمی‌سازد، بلکه سبب می‌شود بر اثر به‌هم‌خوردن موازنه مالی و اقتصادی قرارداد، تعهدات پیمانکار شدت یابد و اجرای آن برای او به طور غیرقابل پیش‌بینی گران تمام شود.

(طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۲۶) این نظریه، همان نظریه مشهور حقوق بین‌الملل به نام "تغییر اوضاع و احوال" است، که از رشته حقوق بین‌الملل به حقوق داخلی راه یافته و مورد استفاده قرار گرفته است. ابداع‌کنندگان این نظریه چنین استدلال می‌کنند که معاهدات بین دولت‌ها بر اساس شرایط و

اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد معاهده منعقد می‌شوند، گویی در معاهده، به طور ضمنی چنین شرط شده است که وضع موجود در زمان انعقاد معاهده شرط اصلی ثبات باشد (شرط ثبات معاهده یا قرارداد). بنا به نظر این گروه، عقلایی نیست که شخص با عقد قرارداد دست به قمار بزند و تبعات امور و حوادثی غیرقابل پیش‌بینی را در آینده به عهده گیرد، لذا عدالت حکم می‌کند در صورت بروز چنین امور و حوادثی در

معاهده و قرارداد تجدیدنظر به عمل آید و مواد آن با اوضاع و

احوال جدید تعدیل شود. (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۹۱)

در فقه امامیه نیز لزوم پای‌بندی طرفین قرارداد به حسن نیت در موقع معامله با یکدیگر تأکید شده است (اگرچه عین این اصطلاح برای آن معنی استفاده نشده). برای مثال، شخصی که مالی را خریداری و سپس به فروش آن مبادرت می‌کند طبق قاعده به افشای قیمت خرید خود ملزم نیست، اما اگر قصد افشا داشته باشد باید صادقانه واقعیت را بیان دارد.

(موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۶۶). فروشنده [در قرارداد مباحه]

باید از روی درستی و صداقت و با حسن نیت رأس‌المال و مبلغی را که برای خرید کالا پرداخته است به اطلاع خریدار برساند و با معلوم شدن این قیمت، میزان سود نیز مشخص و معین شود و بر این مبنا معامله منعقد و اجرا گردد. (موسوی

بجنوردی، ۱۳۸۷: ۶۶) همچنین در حقوق ایران، در ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر، مصوب ۱۳۵۶، هر کدام از طرفین عقد اجاره می‌توانند پس از گذشت ۳ سال از تعیین اجاره‌بها، نسبت به طرح دعوی تعدیل یا افزایش اجاره‌بها در دادگاه اقدام نمایند و قاضی با جلب نظر کارشناس، اجاره‌بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل خواهد نمود. بنابراین، با توجه به قاعده غبن فاحش و منع سوءاستفاده از حق^۲ و نیز قاعده‌های غرور و لاضرر، از شخص مغبون، مغرور و متضرر حمایت شده و تحت شرایطی می‌توان از قاضی خواست که قیمت قرارداد را تعدیل یا فسخ کند.

۲-۱-۲- تعدیل مهلت قرارداد

ذیل ماده ۷-۱۳۳۱ قانون جدید تعهدات فرانسه ذکر شده است: "به حکم قانون، بهره قانونی از زمان حکم بدوی جریان می‌یابد. در سایر موارد، جبران خسارتی که در دادگاه تجدیدنظر مورد حکم قرار می‌گیرد، تعلق بهره از زمان حکم تجدیدنظر را موجب می‌شود. قاضی تجدیدنظر همیشه حق دارد که مقررات پاراگراف حاضر را نقض نماید." در اینجا، اختیاری گسترده به قاضی در اعمال نظر خود در نقض حکمی از قانون موضوعه

۲-۲- تعهدات عینی

طبق ماده ۱۱۹۵ قانون جدید تعهدات فرانسه، در صورتی که تغییری در اوضاع و احوال رخ دهد که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نبوده و اجرای قرارداد را برای یک طرف با سختی و تعذر مواجه نماید؛ در حالی که او ریسک این تغییرات را تقبل نکرده باشد، می‌تواند به جای این که مجبور باشد به تعهداتش ادامه دهد، درخواست مذاکره مجدد از طرف دیگر نماید. چنانچه طرفین نتوانند مذاکراتی موفق را از سر بگیرند، می‌توانند قرارداد را مطابق شرایط و تاریخی که اعلام می‌کنند خاتمه دهند. اگر طرفین نتوانند به صورت توافقی به قرارداد خاتمه دهند، می‌توانند در ابتدا مشترکاً و بعد از گذشت زمان معقولی، به طور انفرادی ختم قرارداد را از دادگاه بخواهند که در حالت اخیر، میزان دخالت قاضی و دادگاه در قراردادهای خصوصی افزایش می‌یابد (بزرگمهر و مهرانی ۱۳۹۵: ۱۶). به نظر برخی حقوق‌دانان، فورس‌ماژور به حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل گفته می‌شود که در نتیجه آن، قرارداد غیرممکن می‌شود، اما نظریه حادثه پیش‌بینی نشده، زمانی محقق می‌شود که اجرای قرارداد در اثر بروز حوادث پیش‌بینی نشده و به هم خوردن تعادل قراردادی، بیش از حد متعارف، دشوار شده باشد و در نتیجه، هزینه‌ای گزاف بر متعهد تحمیل می‌شود. (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۳۴/۶)

در ماده ۱۱۰۴ قانون قراردادهای فرانسه، اصل حسن نیت^۲ به عنوان یک قاعده عمومی به رسمیت شناخته شده است. همچنین بر اساس ماده ۱۱۹۴ اصل انصاف^۳ به عنوان یک اصل کلی در قوانین فرانسه متبلور است. در برخی قوانین موضوعه ایران نیز این دو اصل به شکلی ملموسی نمایان است. برای مثال در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی، استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این قانون و همچنین اعمال شروط "غیرمنصفانه" به ضرر مصرف‌کننده، غیرمؤثر تلقی شده‌اند؛ هرچند در ایران، قانونی عام درباره حسن نیت، که

داده شده، که شاید بتوان گفت بی‌نظیر یا لااقل کم‌نظیر است. از سوی دیگر، در ماده ۱۳۴۳-۵ قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن وضعیت مدیون و ملاحظه نیازهای دائن، در ظرف مهلت دو سال، قرار تأخیر یا تقسیط پرداخت پول مقتضی را صادر کند. همچنین در ذیل ماده مزبور، عنوان شده است که مهلت تعیین شده توسط قاضی، مشمول بهره یا جریمه تأخیر نمی‌شود. صرف نظر از ممنوع بودن معاملات ربوی در فقه و حقوق ایران، و عدم تکلیف محاکم در برابر درخواست‌های رسیدگی به دعاوی مربوط به آنها، در خصوص اعمال خسارت‌های ناشی از عدم اجرای تعهدات در قراردادهای باید اذعان داشت مطابق با ماده ۲۷۷ از قانون مدنی ایران، نمی‌توان متعهدله را به قبول قسمتی از موضوع تعهد مجبور نمود، ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون "مهلت عادلانه" یا "قرار اقساط" دهد تا به این ترتیب، مورد تعهد، به نحوی عادلانه انجام یا اجرا شود. به نظر می‌رسد اگر چه ماده ۲۳۰ قانون مدنی^۱ تعدیل وجه التزام را ممنوع ساخته، اما به این معنی نیست که هر تعهد وجه التزامی معتبر باشد. انصاف می‌تواند سدی در مقابل تراضی ناعادلانه باشد. (شعاریان، ۱۳۹۲: ش ۱۵۸/۷)

همچنین در رویه قضایی امروز، بر اساس قاعده عسر و حرج مشاهده می‌شود که محاکم ایرانی، به تقسیط محکوم‌به یا پرداخت تدریجی دین حکم می‌دهند. با این وجود، نظر قانون‌گذار نمی‌تواند چیزی باشد که با روح قانون و عدالت در تضاد باشد، چرا که تعیین خسارت‌های هنگفت توسط یکی از طرفین قرارداد و تحمیل آن که اعمال تکلیف مالایطاق و ورود لطمات جبران‌ناپذیر بر اشخاص و اقتصاد جامعه را موجب است، عین بی‌عدالتی می‌باشد. لذا قانون‌گذار از این اتهام مبری است و بی‌شک منظور قانون‌گذار در این ماده، عدم تعدیل وجه التزام یا خسارتی است که بر اساس عدل و انصاف تعیین شده باشد.

۱. ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر داشته است: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید.»

2. Foi Bonne

3. Principe d Equite

در ماده ۲۳۲ قانون مدنی از شروطی یاد شده است که چنانچه در قراردادی گنجانده شوند، بدون آن که عقد را باطل کنند، خودشان باطل و بی‌اثر می‌شوند:

- شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد؛

- شرطی که در آن نفع و فایده نباشد؛

- شرطی که نامشروع باشد.

گرچه در نظام حقوقی فرانسه، هنگامی که قاضی تصمیم می‌گیرد قراردادی را منحل‌شده اعلام نماید، این انحلال، عطف به ماسبق و از تاریخ انعقاد قرارداد می‌شود.^۱ در حقیقت، قرارداد به کلی منحل می‌شود، اما در عین حال، دادگاه حق دارد اعلام کند فقط بخشی یا قسمتی از قرارداد را منحل می‌نماید. لذا پولی که باید به زیان‌دیده بدهد کاهش می‌یابد. (نوبن، ۱۳۹۰: ۱۴۸)

قانون‌گذار ایرانی در ماده ۳۹ از قانون تجارت الکترونیک، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، پیش‌بینی کرده است: «در صورتی که تأمین‌کننده در حین معامله به دلیل عدم موجودی کالا و یا عدم امکان اجرای خدمات، نتواند تعهدات خود را انجام دهد، باید مبلغ دریافتی را فوراً به مخاطب برگرداند، مگر در بیع کلی و تعهداتی که برای همیشه وفای به تعهد غیرممکن نباشد و مخاطب آماده صبر کردن تا امکان تحویل کالا و یا ایفای تعهد باشد. در صورتی که معلوم شود تأمین‌کننده از ابتدا عدم امکان ایفای تعهد خود را می‌دانسته، علاوه بر لزوم استرداد مبلغ دریافتی، به حداکثر مجازات مقرر در این قانون نیز محکوم خواهد شد». در اینجا، شاید بتوان گفت که حکم مورد اشاره، مختص معاملات الکترونیکی است و قابل تعمیم به دیگر معاملات نیست، اما آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد این است که قانون‌گذار در اینجا به مانند قواعد سنتی انجام تعهدات در قانون مدنی، که متعهدله ابتدا باید متعهد را ملزم به انجام تعهد کند و چنانچه مورد تعهد توسط متعهد قابل انجام نبود، خود مورد تعهد را انجام داده و هزینه انجام تعهد را از متعهد بگیرد ... رفتار نکرده و متعهدله یا همان مصرف‌کننده

شامل همه قراردادها شود، وجود ندارد، اما قانون‌گذار در برخی قوانین موضوعه، اصطلاح "حسن نیت" را تصریح کرده است، مانند قانون مسؤلیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹ (وسایل مخالف حسن نیت)، قانون دریایی، مصوب ۱۳۴۳ (طلبکار با حسن نیت) و قانون تجارت الکترونیک، مصوب ۱۳۸۲ (لزوم رعایت حسن نیت در تفسیر این قانون).

در این مجال، باید از کلام امیرالمؤمنین علی (ع) در کاربرد انصاف در تعدیل قوانین بهره‌مند شد که می‌فرماید: «الانصاف یرفع الخلاف و یوجب الائتلاف». (موحدی، ۱۳۸۳: ۱۰) در سخنی دیگر نیز می‌فرماید: «الانصاف افضل الفضائل». (موحدی، ۱۳۸۳: ۱۰)

در تعریف انصاف باید گفت: «مجموع قواعدی است که در کنار قواعد اصلی حقوق وجود دارد و به استناد متکی بودن بر اصول عالی و برتر اخلاقی می‌تواند قواعد حقوقی را لغو کند یا تخصیص دهد». (کاتوزیان، ۱۳۶۵: ۱۴۵/۱) زمانی به انصاف رجوع می‌شود که اجرای قاعده عادلانه در موردی خاص، نتایج نامطلوبی به بار می‌آورد و وجدان اخلاقی این طور تشخیص می‌دهد که لزوم رعایت قواعدی فراتر از عدالت، ضروری است. در مواردی که قواعد خشک مبتنی بر عدالت، قاضی را از نظر وجدانی اقناع نمی‌کند، رأی بر مبنای قاعده انصاف به کمک او می‌آید. قاضی با توجه به شرایط فرد مورد حکم، در مورد او قضاوت می‌کند؛ البته این لحاظ شرایط نیز بدون اندازه نیست، زیرا بدین ترتیب، هرکس با این توجیه که در مرتبه اجرای انصاف است، خودسرانه عمل خواهد کرد، بلکه محدوده این قاعده تا حدی است که به اجرای عدالت کمک کند. به عبارتی، این قاعده در جایگاه یابوری برای عدالت است و هدف آن، چیزی جز هر چه بهتر و عادلانه‌تر شدن قواعد نیست، اما از آنجا که قواعد مبتنی بر عدالت در حالت کلی وضع شده است، شاید در مواردی عمل کردن به آن عادلانه نباشد. لذا با اعمال قاعده انصاف و با لحاظ اوضاع و شرایط فرد، عدالت در معنای واقعی خود اعمال خواهد شد. (امینی، ۱۳۹۵: ۳۲)

مخارج آن محکوم نماید و در ماده ۲۲۷ از قانون مزبور متخلف از انجام تعهد، وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت کند که عدم انجام تعهد، به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود. لذا اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از اراده او است نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود (مستفاد از ماده ۲۲۹ قانون مزبور). با جمیع این مواد قانونی و مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون اشاره شده، می‌توان نتیجه گرفت که متعهد به نحو ممکن باید قرارداد را اجرا کند، اما اگر شرایط به نحوی باشند که انجام تعهد برای او متعسر یا متعذر است، متعهد می‌تواند شخصاً آن را انجام دهد و هزینه‌های آن را از متعهد مطالبه کند. اگر بر اثر حادثه خارجی، انجام تعهد غیرممکن باشد و تعهد از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او ایفا کند، قرارداد از سوی متعهد قابل فسخ خواهد بود. نهایتاً این که مطابق ماده ۲۴۰ قانون مدنی، چنانچه انجام شرط منتع شود یا از ابتدا منتع بوده باشد، مشروطاً می‌تواند معامله را فسخ کند.

آنچه در مورد لزوم تعادل نسبی بین دو ارزش مبادله شده گفته شد، به زمان انعقاد قرارداد مربوط است. آینده را کسی نمی‌داند و هر دو طرف انتظار دارند که رویدادها به سود آنان باشد. امروز تلاش فراوان می‌شود که اگر حادثه نامنتظری اجرای تعهد ناشی از عقد را به غایت دشوار سازد، به گونه‌ای بتوان قرارداد را تعدیل یا فسخ کرد. این تلاش‌های نظری بر فرض که به نتیجه برسد، دو نظریه "غبین حادث" و "غبین موجود" در زمان عقد را مخلوط نمی‌کند. برای استناد به غبن حادث که به "نظریه حوادث پیش‌بینی نشده" شهرت پیدا کرده است، شرایطی بیش از غبن موجود در زمان عقد لازم است. باید حادثه نامنتظر خارجی باشد و متعهد را دچار مشقت و حرج کند و درواقع، شاخه‌ای از قاعده عسر و حرج است. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۸۶/۵)

حقوق دانان فرانسه غبن را در یک معنای دقیق به کار می‌برند و در آن به ضرر وارد بر یک طرف، که ناشی از عدم تناسب دو طرف قرارداد (مانند قیمت پایین در مال فروخته شده) است

بازار الکترونیکی را مورد حمایت قرار داده است. بر خلاف قاعده سنتی الزام به ایفای تعهد در قانون مدنی، که باعث شده امروز، سیلی عظیم از پرونده‌های بلاتکلیف در مورد عدم ایفای تعهد در دادگاهها به راه افتاده و این خلأهای قانونی باعث سوءاستفاده از ناحیه متعهدانی قرار گیرد که به هیچ وجه به انجام تعهد یا پرداخت خسارت یا اقاله قرارداد حاضر نمی‌باشند. این سیستم ایجادشده توسط قانون گذار، علاوه بر تعدیل قدرت طرفین در قرارداد الکترونیکی و تعادل حقوقی، باعث تعیین تکلیف فوری انجام تعهد از سوی طرفین خواهد بود.

۲-۱- نحوه اجرای تعهدات

اصلاحات قانون تعهدات فرانسه، به وضوح، خساراتی را که یک طرف معامله در صورت عدم اجرا یا نقض قرارداد توسط طرف دیگر می‌تواند دریافت دارد را اعلام نموده است. از این میان، شخص غیرمقصر می‌تواند شخص مقصر را به اجرای قرارداد ملزم نماید، مشروط بر این که اجرای قرارداد (خواه به دلیل قانونی، اخلاقی یا مادی) ناممکن نباشد، یا ضرر و هزینه‌های انجام، از ضرر عدم انجام قرارداد بیشتر نباشد، یا خود متعهدانه اجرای قرارداد را برعهده بگیرد، یا اجرا را به شخص ثالث محول کند. در هر حال، شخص مقصر باید تمامی هزینه‌ها را بپردازد. همچنین اگر که عدم اجرا به اندازه کافی مهم باشد، طرف قرارداد می‌تواند بعد از اخطار به او، قرارداد را خاتمه بخشد. (بزرگمهر و مهرانی، ۱۳۹۵: ۱۷) در اینجا، اصولاً دادگاهها [ی ایرانی] دستور اجرا خواهند داد، مگر آن که نحوه اجرا از نظر مادی، اخلاقی و قانونی ناممکن باشد (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۱۱۵). ماده ۱۱۶۶ قانون فوق‌الذکر اشعار می‌دارد: «زمانی که کیفیت انجام تعهد مطابق قرارداد معین نیست یا این که قابل تعیین نیست، انجام تعهد توسط مدیون از نظر کیفیت در نظر گرفتن عواملی همچون ماهیت و مبلغ عوض قرارداد، باید مطابق انتظارات مشروع طرفین باشد».

مطابق با ماده ۲۲۲ قانون مدنی ایران، در صورت عدم ایفای تعهد، حاکم می‌تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است، اجازه دهد خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تأدیه

اشاره می‌کنند، اما در معنای وسیع‌تر، غبن شامل هر بی‌انصافی اساسی در شرایط قرارداد می‌باشد. (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۷۲)

قانون‌گذاری جدید، موارد بیشتری را اضافه کرده است. بنابراین، برای حقوق‌دانان فرانسه طبیعی است که بحث‌های خود در مورد غبن را به دخالت وسیع قانون‌گذار در منافع تضمین عدالت قراردادی یا ضمانت اجرای بی‌عدالتی در قراردادها ضمیمه کنند (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۷۳). بنابراین، قانون‌گذار فرانسوی با تمسک به تغییرات غیرقابل پیش‌بینی و تعذر بیش از حد، به قاضی این اختیار را داده تا نسبت به خاتمه دادن به قرارداد یا تعدیل آن به نفع متعذر اقدام نماید.

در حقوق ایران نیز نظریه غبن حادث و قاعده عسر و حرج نیز می‌تواند در راستای عدالت قراردادی و نحوه اجرای قرارداد یا فسخ آن، مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرند. علاوه بر اینها، اگر در عقد اجاره محل تجاری مشمول قانون روابط موجر و مستأجر، سال ۱۳۵۶، حق انتقال به غیر محل کسب یا پیشه یا تجارت از مستأجر سلب شده باشد و موجر از این حق خود سوءاستفاده نماید، در این صورت، بر اساس بند دوم ماده ۱۹ قانون مورد بحث، دادگاه به تجویز انتقال منافع به درخواست مستأجر حکم صادر خواهد کرد. در واقع، دادگاه این حق قراردادی موجر را که می‌تواند با انتقال محل به غیر، مخالفت نماید به دلیل سوءاستفاده وی نادیده می‌گیرد و در جایی که اعمال این حق قراردادی ورود ضرر غیرممتعارف به مستأجر را موجب شود، این حق را تعدیل می‌کند. (کریمی، ۱۳۹۲: ش ۲۲۰/۱۰) از مهمترین مستندات قانونی مرتبط با موضوع، اصل چهارم قانون اساسی است. به موجب این اصل، که مقرر داشته است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بر مبنای این اصل می‌توان می‌گفت نظریه سوءاستفاده از حق، حداقل در حدود مقرر در این اصل پذیرفته شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۷۱).

قانون‌گذار ایرانی در ماده ۴۵ قانون تجارت الکترونیکی با بیان این موضوع که «اجرای حقوق مصرف‌کننده» به موجب این قانون، نباید بر اساس سایر قوانین، که حمایتی ضعیف‌تر اعمال می‌کنند متوقف شود، سعی کرده است اجرای حقوق مصرف‌کننده را در مقابل تولیدکننده یا خدمات‌دهنده حرفه‌ای تأمین کند. در ادامه، ماده ۴۶ اشعار می‌دارد: «استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط (غیرمنصفانه) به ضرر مصرف‌کننده، مؤثر نیست». در حقیقت، این قاعده در اجرای حقوق مصرف‌کنندگان، به صورت آمره می‌باشد، اما قانون‌گذار با تأکید بر رعایت اصل انصاف، در اجرای حقوق مصرف‌کننده تعریفی از آن ارائه نداده است، اما می‌توان گفت که تشخیص آن بر عهده مقام قضایی خواهد بود، چرا که به صراحت در ماده ۴۴ همان قانون اعلام می‌دارد: «در موارد اختلاف و یا تردید، مراجع قضائی رسیدگی خواهند کرد».

۲-۲-۲- مهلت اجرای تعهدات

مطابق ماده ۱۲۲۶ اصلاحات قانون تعهدات فرانسه، در صورت استتکاف متعهد از اجرای تعهداتش، متعهدله حق دارد برای او اخطاریه‌ای متضمن مهلت معقولی برای اجرای تعهد ارسال کند و متذکر می‌شود چنانچه به تعهداتش عمل نکند قرارداد را فسخ خواهد نمود.

همچنین مطابق با ماده ۱۲۲۸ قانون ذکرشده، قاضی در صورت اقامه دعوی توسط متعهد، می‌تواند: فسخ قرارداد را اعلام یا رد کند؛ یا با اعطای مهلت کافی به مدیون، حکم به اجرای قرارداد بدهد؛ یا تعیین خسارت نماید.

رهیافت حقوق فرانسه در خصوص زمان، در مواردی که اجرا حال باشد، نسبت به حقوق کامن‌لا مشابه نیست. نقطه شروع آن تفکیکی شدید است که بین وجود تعهد قراردادی و قابلیت تعقیب قانونی آن مطرح می‌شود. بنابراین، در صورتی که یک طرف تعهدی را بپذیرد، اصولاً اجرای قرارداد فوری است؛ البته در مورد تعهدات مربوط به انجام خدمات، دادگاهها مدت معقول برای اجرای تعهد را مجاز می‌دانند. (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۹۱)

از اعمال حقوقی ایجاد شود، زیرا قانون‌گذار، مصرف‌کننده مورد نظر در این قانون را در مقام ضعف فرض نموده است.

۳- تفسیر قراردادهای خصوصی

قانون‌گذار فرانسوی، فصل سوم از اصلاح قانون تعهدات را به "تفسیر قرارداد" اختصاص داده است. در ماده ۱۱۰۴ قانون تعهدات، با اشاره به لزوم رعایت اصل حسن نیت، توسط طرفین، در مذاکرات، ایجاد و اجرای قراردادها، در مواد ۱۱۸۸ الی ۱۱۹۲ قانون مزبور به بحث تفسیر قراردادها در تشکیل و اجرای تعهدات می‌پردازد که از حیث نقش قاضی در تفسیر قراردادهای خصوصی حائز اهمیت می‌باشد.

اگر چه در قوانین موضوعه ایران، مبانی تفسیر قراردادها به صورت بخشی مستقل تدوین نشده است، اما گذشته از وجود ابزاری، همچون اصول فقه (به ویژه مبحث الفاظ) و قواعد فقهی، از جمله قاعده فقهی "العقود تابعه للقصد"، که قراردادها را تابع قصد طرفین می‌داند، مواد قانونی بسیاری (به صورت پراکنده) وجود دارد که قاضی بر اساس آنها باید قرارداد یا عقد فی‌مابین طرفین را تفسیر کند، از جمله مواد ۲۲۳، ۲۲۴ و ۲۸۰ قانون مدنی یا ماده ۲۲۰ قانون مزبور، که طرفین قرارداد را به نتایج عرفی آن ملزم ساخته است و ماده ۲۲۵ از همان قانون، که متعارف‌بودن امری را در عرف و عادت، هم‌پایه ذکر آن در عقد می‌داند، همگی از مبانی تفسیری در تشکیل یا اجرای عقود هستند.

قانون‌گذار ایرانی در قانون تجارت الکترونیکی، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، در فصل سوم - تفسیر قانون، در ماده ۳ بیان می‌دارد: «در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد.» و ماده ۴۳ از همان قانون که اشعار می‌دارد: «تأمین‌کننده نباید سکوت مصرف‌کننده را حمل بر رضایت وی کند.» همچنین در ماده ۳۵ همان قانون مقرر می‌دارد: «اطلاعات اعلامی و تأییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف‌کننده باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و

قانون‌گذار ایرانی، مطابق با ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون روابط موجر و مستأجر، مصوب ۱۳۷۸، اعلام داشته است: «چنانچه در زمان اجرای دستور تخلیه مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت، به علت وقوع حوادث غیرمترقبه، مستأجر قادر به تخلیه مورد اجاره نباشد و استمهال نماید، مراتب درخواست وی توسط مأمور اجرا به مقام قضایی دستوردهنده گزارش می‌شود. مقام قضایی صالح مربوط می‌تواند با استمهال مستأجر برای یک نوبت، به مدت حداکثر یک ماه موافقت نماید». بنابراین، قاضی ایرانی نیز می‌تواند با این ساز و کار، علاوه بر تضمین اجرای قرارداد، از مکانیزم موجود در خصوص اعطای مهلت مناسب به متعهد برای ایفای تعهداتش استفاده نماید یا به پرداخت خسارت حکم دهد.

قانون‌گذار ایرانی با نوآوری در ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی، که بیان می‌دارد: «در هر معامله از راه دور، مصرف‌کننده باید حداقل ۷ روز کاری، وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود، بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف‌کننده هزینه بازپس‌فرستادن کالا خواهد بود.»، به نوعی یک حق فسخ قانونی نوین برای مصرف‌کننده جعل کرده است، که حداقل مهلت آن ۷ روز و نهایت خسارتی که باید بپردازد، هزینه حمل بازپس‌فرستادن کالا به فروشنده یا ارائه‌دهنده خدمت خواهد بود. قانون‌گذار برای نحوه اعمال این حق از سوی مشتری، از لفظ "بدون ارائه دلیل" استفاده کرده است، که می‌توان آن را به "خيار" تعبیر کرد و مشتری برای اجرای این خيار خود، حداقل ۷ روز مهلت دارد. لذا قانون‌گذار برای در امان بودن از انتقادهای فقهی یا حقوقی ناشی از ایجاد چنین تأسیسی نام آن را "حق انصراف از قبول خود" نهاده و اجرای این حق را صرفاً برای معاملات از راه دور و مخصوص مشتری قرار داده است؛ به هر حال، این موضوع از حیث فقهی بسیار حائز اهمیت و بررسی خواهد بود. به هر دلیل، موضوع مورد بحث، این است که چنین حقی صرفاً برای مشتری و در این نوع معاملات (الکترونیکی) مورد لحاظ واقع شده است تا به نوعی ایجاد توازن و تعادل در این نوع

نمود". شاید یکی از دلایل تفسیر قرارداد بر اساس قصد طرفین، جاری بودن اصل نسبی بودن قراردادها است. اصل نسبی بودن قراردادها، بدین معنی که قرارداد منعقد فقط نسبت به طرفین مؤثر است نه شخص دیگر، و این امر کاملاً منطقی است، زیرا اشخاصی که طرفین قرارداد نبوده‌اند و قانون آنها را قائم مقام قانونی نیز نشناخته است از قراردادی که بسته شده، نباید منتفع یا متضرر شوند و به همین دلیل، ماده ۲۳۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام آنها مؤثر است». (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۲۶)

البته نباید استثنای این اصل را نادیده گرفت، یعنی زمانی که طرفین قرارداد، تعهدی به نفع شخص ثالث منعقد می‌نمایند. در ماده ۱۹۶ از قانون یادشده، معذک ممکن است در ضمن معامله‌ای که شخص برای خود می‌کند، تعهدی هم به نفع شخص ثالث بنماید. لذا قاضی باید در نظر داشته باشد که در تفسیر قرارداد (از قصد مشترک طرفین)، به ضرر یا علیه شخص ثالثی که در قرارداد هیچ‌گونه نقشی نداشته باشد، خودداری نماید.

قانون گذار در مواد ۲۲۳ و ۲۲۴ قانون مدنی ایران، الفاظ عقود را محمول بر معانی عرفیه دانسته است و از طرف دیگر، عقود و معاملات را ابتدا محمول بر صحت فرض کرده است مگر خلاف آن ثابت شود. همچنین قانون گذار به موجب ماده ۱۹۴ همین قانون بیان داشته است که الفاظ و اشارات و اعمال دیگر، که متعاملین به وسیله آن انشای معامله می‌کنند، باید موافق باشد. افزون بر این، در ماده ۵۱۱ قانون مزبور از ترکیب "قصد طرفین" استفاده کرده است، که همین شیوه در قانون فرانسه وجود دارد.

همچنین ماده ۱۱۹۰ قانون تعهدات فرانسه در خصوص تفسیر قراردادی که برای تنظیم آن از سوی طرفین "مذاکره‌ای صورت نگرفته" است (مثل زمانی که یکی از طرفین به مانند شرکت‌های بیمه یا نمایندگی‌های فروش شرکت‌های انحصاری که دارای قدرت زیادی در معامله با مشتریان خود هستند، قراردادهای از قبل تنظیم شده و آماده‌ای را برای امضا به طرف

بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود». بنابراین، قانون گذار در تفسیر قراردادهای الکترونیکی، اصولی همچون رعایت حسن نیت و تقدم تفسیر به نفع طرف ضعیف معامله را در نظر داشته است. از طرفی، در ماده ۴ همان قانون مقرر می‌دارد: «در مواقع سکوت و یا ابهام این قانون، محاکم قضایی باید بر اساس سایر قوانین موضوعه و رعایت چهارچوب فصول و مواد مندرج در این قانون، قضاوت نمایند.» اگر چه این حکم قانون گذار بیانگر خاص بودن قواعد حاکم بر مصادیق این قانون است و تکلیف را برای قاضی روشن نموده است، اما باید اذعان داشت آن قواعد خاص تفسیر، که در این قانون به آنها اشاره شده است، شامل رعایت اصل حسن نیت، رعایت اصل انصاف، حمایت از مصرف کننده، حمایت از افراد ناتوان و کودکان، خصوصیت بین المللی و اصل حمایتی بودن این قانون (ماده ۴۵) می‌باشد، که قاضی باید بر اساس آنها قرارداد را تفسیر و متعهد را به اجرا ملزم نماید.

۳-۱- تشکیل تعهدات

قانون گذار فرانسوی در ماده ۱۱۸۸ قانون تعهدات، در تفسیر قرارداد، بیان می‌دارد: "قرارداد باید بر مبنای قصد مشترک طرفین تفسیر شود نه از ترجمه لفظ به لفظ مواد آن. و زمانی که قصد طرفین مشخص نیست قرارداد باید مطابق معنایی که یک شخص بی طرف^۱ از قرارداد استنباط می‌کند تفسیر شود". در موردی که قرارداد مبهم، ناقص یا متناقض باشد قاضی باید قصد مشترک طرفین را دریابد. (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۵: ۳۱۱)

هدف از تفسیر قرارداد، تشخیص قصد مشترک طرفین است نه فقط اراده هر یک از طرفین (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۵: ۳۱۱).

به نظر می‌رسد تمامی این تفاسیر، بستگی به این دارد که الفاظ و عبارات قرارداد، مبهم یا مجمل باشند، زیرا قانون گذار فرانسوی در ماده ۱۱۹۲ قانون مورد اشاره، بیان می‌دارد: "شروطی که روشن و بدون ابهام هستند را نمی‌توان تفسیر

۱. به نظر نگارنده این شخص بی طرف، قاضی است.

دو نوشته شده باشند، مبلغی را که با حروف نوشته شده، معتبر دانسته است.

۳-۲- اجرای تعهدات

برابر ماده ۱۱۶۲ از قانون تعهدات فرانسه: "شروط قرارداد با هدف قرارداد نمی‌تواند از مقررات نظم عمومی سرپیچی کند، چه طرفین از آن آگاه باشند یا نباشند". تنها مانع نفوذ اراده افراد در قالب عقود یا شرط ضمن عقد، نظم عمومی است. (بزرگمهر و مهرانی، ۱۳۹۵: ۴۱) برابر ماده ۱۰ قانون مدنی ایران: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آنها را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» همچنین وفق ماده ۹۷۵ از قانون یادشده: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر، مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد، اگرچه اجرای قوانین مزبور، اصولاً مجاز باشد.» قراردادهایی که با نظم عمومی یا اخلاق حسنه در تضاد باشند قابلیت اجرا نخواهند داشت.

مطابق ماده ۱۱۰۳ قانون تعهدات فرانسه، قراردادهای منعقدۀ مطابق با قانون در حکم قانون است و این لزوم و پای‌بندی طرفین به قرارداد منعقدۀ، باید تا خاتمه یا اجرای قرارداد، جاری و ساری باشد. لذا بر اساس اصل لازم‌الاجرا بودن قراردادها، متعاملین باید هرگونه تعهدی را که از طریق قرارداد پذیرفته‌اند، ایفا کنند. (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۲۶) همچنین ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران مقرر داشته است: «عقدی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌التبایع است، مگر این که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». بنابراین، قرارداد منعقدۀ باید از سوی طرفین اجرا شود و تغییرناپذیر است (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۲۶).

قانون‌گذار فرانسوی ذیل ماده ۱۱۸۹ قانون تعهدات این کشور، اشعار می‌دارد: "زمانی که در قصد مشترک طرفین، چندین قرارداد به یک اجرا منتهی می‌شوند، آن قراردادها مطابق اجرا تفسیر می‌شوند." همچنین در ماده ۱۱۶۶ همان قانون

ارائه می‌دهند و معمولاً مشتریان آن را بدون هیچ قید و شرطی امضا می‌کنند) قرارداد علیه کسی که آن را تنظیم نموده است و به نفع شخصی که متعهد گردیده و در قراردادهای الحاقی علیه کسی که آن را پیشنهاد نموده است، تفسیر می‌شود. این قراردادها را از لحاظ این که شرایط پیمان توسط یک طرف قرارداد تنظیم می‌شود و طرف دیگر، با قبول آن، به شرایط می‌پیوندد، قرارداد الحاقی می‌نامند. مصداق این قراردادها، پیمان‌های مربوط به استفاده از آب، برق، گاز، تلفن، پیمان‌های حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی و قراردادهای بانکی و بیمه و مانند اینها است (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۳: ۳۳۰).

عقود الحاقی نیز از جمله قراردادهایی هستند که در آن عدالت معاوضی به طور کامل وجود ندارد و در این دسته از عقود به دلیل برقراری عدالت معاوضی، اصل تفسیر به زیان نویسنده قرارداد، حاکم است، زیرا طرفی که قرارداد را منعقد می‌نماید نفع خود را لحاظ می‌کند و بالعکس، طرفی که به قرارداد ملحق می‌شود در تنظیم شروطی که نفعش را تضمین نماید، دخالتی نداشته است. در صورت وجود شک، قرارداد علیه کسی که آن را تنظیم کرده و به سود کسی که متعهد شده است، تفسیر خواهد شد. همچنین در قرارداد میان شخص حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، شروط به نفع طرف غیرحرفه‌ای تفسیر می‌شود؛ حتی به عقیده طرفداران مشروعیت شروط ساقط‌کننده مسؤولیت در عقد، شرط عدم مسؤولیت طرف قدرتمند در قرارداد الحاقی نافذ نیست، زیرا این شرط، مخالف تعادل اقتصادی حقوق طرفین و نظم عمومی حمایتی از زیان‌دیده و عدالت است. (خاکباز و خدانی، ۱۳۹۰: ۱۱)

در حقوق ایران، قانون‌گذار به این طرز جزئی و مصداقی به نحوه تفسیر قرارداد پرداخته است، اما در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی بیان می‌دارد که اعمال شروط غیرمنصفانه به "ضرر مصرف‌کننده" مؤثر نیست. با این وجود، قانون‌گذار ایرانی در ماده ۲۲۵ قانون تجارت در بیان اعتبار مبلغ حروفی قیدشده بر روی برات، که بیش از یک دفعه نوشته شده باشد، ملاک اعتبار را مبلغ کمتر قرار داده و در صورتی که مبلغ با حروف و رقم هر

۱. در حقوق فرانسه، قانون‌گذار فرانسوی توانسته تا حد قابل توجهی نیاز امروز جامعه مدرن و پیچیده را در خصوص عدالت قراردادی برآورده کند، چه در منع سوءاستفاده از قرارداد توسط اشخاص حرفه‌ای و چه در زمینه تعدیل به نفع طرف ضعیف قرارداد. قانون‌گذار قواعد عام تعدیل قراردادها را در یک جا جمع‌آوری و تدوین کرده و این امر، باعث کارآمدی هر چه بیشتر قراردادها و جلوگیری از بروز اختلافات شدیدتر میان طرفین شده است. افزون بر اینها، توانسته است با خلق مفاهیمی همچون تفسیر قرارداد به نفع طرف ضعیف قرارداد، به سمت تأمین عدالت قراردادی حرکت نماید. در نظام فقهی و حقوقی ما قواعد عام تعدیل و تفسیر قراردادها همچنان در فقه و قانون مدنی و قوانین دیگری از جمله قانون مسؤلیت مدنی پراکنده است. همچنین می‌توان یک دسته از قواعد خاص و نوپا را در مجموعه قانون تجارت الکترونیک (ایران) مشاهده کرد که در حال حاضر به سختی می‌توان مفاهیمی همچون حق انصراف از قبول توسط مشتری را به تمامی قراردادها تسری داد؛

۲. در حقوق ایران، منابع تفسیر قراردادها در مواد قانونی مختلف، به صورت پراکنده موجود می‌باشند که در این تحقیق به تعدادی از آنها اشاره شد. در کنار این، قاضی می‌تواند در صورت بروز اختلاف در تفسیر قراردادهای خصوصی، به دلیل وجود ابهام، تعارض یا سکوت، با استفاده از ابزارهایی همچون اصول فقه (مبحث الفاظ و نظیر آن) و قواعد فقهی (مثل قاعده العقود تابعه للقصود)، اصل حسن نیت، اصل انصاف، قاعده منع سوءاستفاده از حق و قاعده لاضرر، به تفسیر قراردادهای خصوصی در مرحله تشکیل و در مرحله اجرا بپردازد؛

۳. به نظر می‌رسد با توجه به پیچیده‌تر شدن جامعه، به ویژه در عرصه بازار و تجارت و ورود مشاغل و حرف نوظهور، ناکارآمدی قاعده فقهی و حقوقی ایفای تعهدات، به هر قیمت، رکود شدید قراردادی، خصوصاً در قراردادهای انجام کار، مانند مشارکت در ساخت بنا و نظایر آن را باعث شده است. بنابراین، قانون‌گذار

آمده است: "زمانی که کیفیت انجام تعهد مطابق با قرارداد معلوم نیست یا این که قابل تعیین نیست، انجام تعهد توسط متعهد از نظر کیفیت در نظر گرفتن عواملی، چون ماهیت و مبلغ عوض قرارداد باید مطابق انتظارات مشروع طرفین باشد". بنابراین، قاضی فرانسوی باید بر اساس قصد مشترک طرفین به یک قصد مشترک از اجرای تعهد دست پیدا نموده و متعهد را به اجرای آن ملزم نماید.

علاوه بر این، قانون‌گذار فرانسوی قصد طرفین از انعقاد یک قرارداد را اثرگذاری آن می‌داند. لذا در ماده ۱۱۹۱ در مورد تفسیر شروطی که بر دو معنا محتمل باشند، آن معنایی را که دارای "اثر" می‌باشد، نسبت به معنای بی‌اثری آن، ترجیح می‌دهد. دادرس در مقام اعمال حق است و نه خالق حق، گر چه فیلسوفان حقوق واسط بودن قانون در امر قضاوت فریبی بیش نیست چون قاضی، قانون گویا است و قانون صامت به خودی خود تأثیری ندارد. (دژپسند، ۱۳۹۵: ۳۰)

شاید نتوان در قانون مدنی ایران، مواد یا بخشی از قانون را تحت عنوان تفسیر نحوه اجرای تعهدات معرفی کرد، اما با رجوع به موادی که قبلاً اشاره شد، قاضی ایرانی باید بر اساس قصد مشترک طرفین و حسن نیت، به تفسیر نحوه اجرای تعهد توسط متعهد بپردازد. در ماده ۳۳۷ قانون تجارت ایران نیز به نوعی دیگر، به مفهوم حسن نیت اشاره شده است: «دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت، طرفین معامله را از جزئیات راجع به معامله مطلع سازد ولو این که دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند. دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول قلب و تقصیرات خود می‌باشد». سرانجام، حسن نیت در ماهیت و هویت عقود اعتبار دارد. بدین معنی، هویت بر عقد و قرارداد وابسته به قصد موجب است و انشای عقد به ایجاب موجب، که همان قصد وی باشد پدید می‌آید و بالضرورة حسن نیت، از انشا و قصد موجب منفک نیست؛ علی‌هذا، حسن نیت داخل در ماهیت عقد است و الفاظ یا کتابت مقام اثبات و ابراز عقد محسوب می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۶۶)

نتیجه‌گیری

ایرانی باید با هدف جلوگیری از تشتت آرا و به منظور اجرای عدالت قراردادی و پویایی قراردادها، مواد قانونی مربوط به دخالت قاضی در تعدیل یا تفسیر قراردادهای خصوصی را به صورت منظم و مربوط به هم، تدوین و ساماندهی نماید تا به این وسیله از بروز نظرات و آرای متعارض در محاکم قضایی جلوگیری، و از سوءاستفاده از حق پیش‌گیری شود؛

۴. اگر چه تمام اقتصاددانان ایرانی بروز هرگونه بحرانی را در اقتصاد منطقه یا جهان پیش‌بینی می‌کردند، اما هیچ کس تصور نمی‌کرد بحرانی مانند شیوع بیماری کرونا بتواند کاهش بی‌سابقه قیمت نفت و تعطیلی اجباری بازارها و کسب و کارها در مقیاس جهانی را موجب شود. لذا این امر، اجرای تعهدات قراردادی را تا حد بسیار غیرمنتظره‌ای سخت و دشوار و غیرقابل اجرا نموده است و باید محاکم از این پس، در انتظار سیل عظیم پرونده‌های مربوط به اختلافات ناشی از عدم اجرای تعهدات قراردادی باشند. بنابراین، شایسته است که محاکم به جای محکومیت مطلق متعهد به اجرای تعهدات، ابتدا در خصوص تعدیل و تفسیر قرارداد با توجه به وضعیت پیش‌آمده در جهت هرچه بهتر اجرا شدن آن برآیند.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع انسانی و مطالعات فرهنگی رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که اینجانب را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- امینی، اعظم (پاییز ۱۳۹۵). بازاندیشی رابطه انصاف و حقوق، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۵ (۱۶): ۳۱-۵۶؛
- بزرگمهر، امیرعباس و مهرانی، غزال (۱۳۹۵). اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه، تهران: دانشگاه عدالت؛
- بیگدلی، سعید (۱۳۸۸). تعدیل قرارداد، تهران: نشر میزان؛
- حقوق مدنی تطبیقی به قلم گروهی از مؤلفان (مجموعه مقالات شماره‌های ۶، ۷ و ۱۰) (۱۳۹۲). تهران: سمت و مؤسسه حقوق مدنی تطبیقی دانشگاه تهران؛
- خاکباز، محمد و خدانی، سیدپدرام (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «تفسیر نظریه عدالت معاوضی در قلمرو قراردادها»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۵ (۸): ۶۹-۸۴؛
- حیدری فرد، علی اکبر (۱۳۹۶). تعدیل قرارداد توسط قاضی با بررسی تطبیقی، تهران: خرسندی؛
- دژپسند، ابراهیم (۱۳۹۵). تفسیر (متن قرارداد): قانون قرارداد طرفین، قرارداد قانون طرفین، تهران: آلا قلم؛
- رهپیک، حسن (۱۳۹۵). اصول قراردادها در حقوق فرانسه، تهران: خرسندی؛
- شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم (۱۳۹۵). حقوق تعهدات فرانسه و تطبیق با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، تهران: شهردانش؛
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶). حقوق قراردادها: انعقاد آثار و انحلال، تهران: سمت؛
- صالحی‌راد، محمد (۱۳۸۸). آیین نگارش آراء قضائی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد؛
- طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۹۳). حقوق اداری (ویراست چهارم)، تهران: سمت؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). حقوق مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار و بهمن برنا؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۵). فلسفه حقوق، تهران: بهشهر؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر میزان؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها (آثار قراردادها)، تهران: شرکت سهامی انتشار؛
- نوین، پرویز (۱۳۹۰). حقوق تطبیقی (حقوق قراردادها و تعهدات)، تهران: گنج دانش؛
- موحدی، هادی (۱۳۸۳). هزار حدیث، قم: ارم؛
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۷). اندیشه‌های حقوقی ۲ (حقوقی و کیفری)، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.



A Comparative Study of the Modification and Interpretation of Private Contracts in the Economic Crisis Caused by the Corona

Kamal Ra'uf

Ph.D of Private law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 38-55

Corresponding Author's Info

Email: Kamal_Raouf@gmail.com

Article history:

Received: 17 March 2020

Accepted: 06 May 2020

Published online: 21 June 2020

Keywords:

Corona Crisis,

Modification of Private Contract,

Interpretation of Private

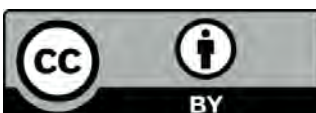
Contract. Contractual Justice,

Exchange Justice.

ABSTRACT

In private contracts, the parties are required to comply with the imperative rules and the obligations arising from it; provided, of course, that it is not contrary to public order or good morals. In the event of a dispute, this legitimate freedom of the parties to conclude and execute the contract may be restricted by a court in favor of the other party to the contract. Also, according to the theory of reciprocal justice, which in the French law of obligations provides the necessary protection in cases of weak side of the contract, its traces can be traced in Iranian law, especially in the law of electronic commerce in weak side protection of the contract. In the face of the professional side of the contract observed. What inspires this research is the amendment of the French law of obligations, especially in explaining the rules of modification and interpretation of private contracts, which is a source for how to modify and interpret private contracts in the economic crisis caused by the outbreak of the Corona virus. By examining the statutory laws, especially the Iranian civil law, it can be pointed out that by using the internal legal tools; one can modify or interpret private contracts, in which justice or fairness to one party to the contract Disregarded. Sometimes Modification in a private contract, which is faced with difficulties or difficulties in fulfilling the obligation, tries to execute it with the created conditions.

openaccess



Cite this article as:

Ra'uf, K (2020). "A Comparative Study of the Modification and Interpretation of Private Contracts in the Economic Crisis Caused by the Corona". *Legal Thoughts Journal*, 1(1): 38-55.